

# بررسی عناصر حماسی در شعر محمد رضا آقاسی

دراسة العناصر الحماسية في شعر محمد رضا آقاسی

*A study of epic elements in the poetry of Mohammad Reza*

*Aghasi Learn the epic elements in poetry*

*Mohammad Reza Aghasi*

م. حسین علی عباس(\*)

alihusain294@gmil.com

## الملخص

إن أدب أي أمة هو مرآة لمجمل معتقدات وثقافة وعادات ومعتقدات تلك الأمة، وقد خضع الشعر الفارسي المعاصر للعديد من التغييرات في المحتوى بما يتجاوز الشكل والتغييرات والتحويلات التي كانت متقبلة في الشكل. تعد الفترة التاريخية ما بعد الثورة من أهم التغييرات في مجال المحتوى. محمد رضا أغاسي شاعر ملتزم وثنوري وهو من الشعراء الذين رددوا معتقداته في شعره ومن أهم مواضيع شعره الملحمة. بالإضافة إلى النغمة الملحمية، لدى أغاسي مواقف وأفكار ملحمية. نعتزم في هذا البحث دراسة العناصر الملحمية في شعر محمد رضا أغاسي. تظهر الدراسات أن الدين والنظرة الملحمية للدين والشخصيات الدينية هي العنصر المهيمن على الملحمة في شعره.

---

(\*) جامعة بغداد/ كلية اللغات/ قسم اللغة الفارسية

## Abstract

The literature of any nation is a mirror of the whole of the beliefs, culture, customs and beliefs of that nation. Literature has long been a tool for understanding people in different eras and their thoughts. Contemporary Persian poetry, beyond the form and changes and transformations that were receptive in form, also underwent several changes in content. One of the most important changes in the field of content is in the post-revolutionary historical period. Mohammad Reza Aghasi is a committed and revolutionary poet who is one of the poets who has shouted his beliefs in his poetry. One of the most important themes of his poetry is epic. In addition to the epic tone, Aghasi has epic attitudes and thoughts. One of the most important themes of his poetry is epic. In addition to the epic tone, Aghasi has epic attitudes and thoughts. In this research, we intend to study the epic elements in the poetry of Mohammad Reza Aghasi. Studies show that religion and the epic view of religion and religious figures are the dominant element of epic in his poetry.

## چکیده

ادبیات هر ملت آینه تمام‌نمای عقاید، فرهنگ، آداب و رسوم و باورهای آن ملت است. از دیرباز تا کنون ادبیات ابزاری برای شناخت مردم در ادوار گوناگون و اندیشه‌های ایشان بوده است. شعر معاصر فارسی و رای قالب و تحولات و دگرپرسی‌هایی که در فرم پذیرا بود، در محتوا نیز دستخوش تغییرات متعددی گشت. یکی از مهم‌ترین این تغییرات در حوزه محتوا در بازه تاریخی پس از انقلاب است. محمدرضا آقاسی شاعر متعهد و انقلابی از جمله شاعرانی است که باور و اعتقاد خویش را در شعر خود فریاد کشیده است. یکی از مهم‌ترین مضامین شعر وی حماسه است. آقاسی علاوه بر لحن حماسی، نگرش و اندیشه‌ای حماسی دارد. در این پژوهش برآنیم تا به بررسی عناصر حماسی در شعر محمدرضا آقاسی بپردازیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد دین و نگاه حماسی به دین و شخصیت‌های دینی عنصر غالب حماسی در شعر اوست.

**کلیدواژگان:** ادبیات فارسی، شعر معاصر، ادبیات حماسی، محمدرضا آقاسی، عناصر حماسی.

## ۱ - مقدمه

حماسه یکی از کهن‌ترین گونه‌های ادبی است. بسیاری بر این باورند که عصر حماسه به سرآمده است. از مهم‌ترین دلایل ایشان بر این مدعا این است که حماسه در بستری اجتماعی رشد می‌کند و زمانی که زمینه و بستر لازم آن فراهم نباشد تلاش‌ها بی‌نتیجه خواهد ماند.

شرایط و اوضاع تاریخی و اجتماعی در قرن چهارم و پنجم سبب پیدایش متون حماسی همچون گرشاسب‌نامه اسدی طوسی، گشتاسب‌نامه دقیقی طوسی و شاهنامه فردوسی طوسی شد. به تدریج با کمرنگ شدن و سپس از بین رفتن شرایط ویژه، نوع ادبی حماسه نیز از رونق افتاد و جای خود را به گونه‌های ادبی تعلیمی، غنایی و عرفانی داد (رزمجو، ۱۳۸۵: ۲۶).

## ۲ - شعر

ادبیات، هنری کلامی است و به عنوان پدیده‌ای اجتماعی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. آثار ادبی، به ویژه شعر، نتیجه شناخت و تجربه ذهنی و یا عینی فردی است که در پیوند با قوه تخیل، همراه با احساس، با زبانی آهنگین و در شکل مناسب ارائه می‌گردد. به

عبارت دیگر، عناصر سازنده يك اثر ادبی، بویژه شعر، عاطفه، تخیل، زبان، آهنگ و شکل است (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۷: ۱۵).

تمامی دانشمندان و کارشناسانی که در شناسایی فرهنگ و ادب و تمدن ایران پیش از اسلام تلاش کرده‌اند، در این باره هم عقیده‌اند که ایرانیان در پیش از اسلام یعنی دوره‌های پادشاهی اشکانی و ساسانی و حتی در زمان مادها و هخامنشیان به فن شعر و شاعری آشنا بوده و یادگارهایی به جا گذاشته‌اند. دلیل عمده آنان در این مدعا وجود آلات موسیقی و آثار شعری باقی مانده است. «هرجا شعر و سروده‌ای بوده است، موسیقی به همراه داشته است و هرجا موسیقی حضور داشته، شعرها، سرودها و ترانه‌ها آن را یاری نموده است.» (موسوی، ۱۳۸۷: ۲۲)

شعر در بطن خود نیازمند تئوری‌های شعر نیست. بالندگی و رشد شعر نیز گاه بی‌هیچ نظریه‌ای میسر است. وجود شاعرانی که در بند تئوری‌ها و نظریات شعری نبوده‌اند می‌تواند این فرضیه را تا حدودی به اثبات رساند. این بحث در پی آن نیست که راه نقد و نظر در باب شعر نوجوان را ببندد. منتقد و نظریه‌پرداز به شرط نگرش و رویکرد درست و به دور از حب و بغض می‌تواند مسیر رشد و تکامل شاعر را هموار کند (رک، رجبزاده، ۱۳۸۱: ۱۷۰).

### ۳ - محمدرضا آقاسی

محمدرضا آقاسی با تخلص «کوشا» در فروردین ۱۳۳۸ در تهران متولد شد. وی از عنوان کودکی به مطالعه آثار ادبیات کلاسیک همت گماشت. سرودن شعر را از نوجوانی آغاز کرد.

اشعار وی نشان از این دارد که وی شاعری متعهد بوده که براساس اعتقادات و باورهای خویش شعر می‌سروده است. شیعه، اهل بیت، انقلاب، جنگ، شهادت از مهمترین مضامین شعر آقاسی است. وی در سال ۱۳۸۴ دیده از جهان فرو بست.

### ۴ - انواع ادبی

نوع ادبی به گرومبندی آثار ادبی که از جنبه نظری متکی بر وجه بیرونی و درونی آثار است اختصاص می‌یابد (ولک و وارن، ۱۳۷۳: ۲۶۶).

انواع ادبی به موضوعاتی می‌پردازد که در قالب‌ها و با خصیصه‌های فنی و قاعده‌هایی ویژه به شعر یا نثر بیان شده است.

زمانی که متنی ادبی خلق می‌شود می‌بایست آن را در میان انواع آثار ادبی طبقه‌بندی کرد. برای هر یک از آثار ادبی ویژگی‌ها و مختصات برشمرده شده است. این موارد بنیادین توسط انواع ادبی انجام می‌گیرد.

### ۴ - ۱ حماسه

حماسه گونه‌ای از اشعار وصفی است که بر توصیفات پهلوانی و مفاخره‌آمیز قومی و قبیله‌ای یا فردی تأکید می‌کند (صفا،

۱۳۸۷: ۳) کزازی حماسه را ستیز ناسازها می‌داند (کزازی، ۱۳۷۲: ۱۸۴).

ادب حماسی همچون دیگر انواع ادبی متضمن وجوه بیرونی و درونی است. بدین معنا که برخی ویژگی‌های بیرونی و عرضی را پذیرفته است و برخی ویژگی‌های درونی که ذات حماسه است را در خود نهادینه کرده است.

تقسیم‌بندی و دسته‌بندی‌های متعددی که برای متون حماسی - چنان که در ادامه اشاره می‌کنیم - ویژگی‌های بیرونی و درونی را خلط نموده و آنها را به تفکیک و مجزا بیان نکرده‌اند. عمده توجه نیز متمرکز بر بخش بیرونی حماسه است.

بسیاری از صاحب‌نظران و کارشناسان ادبیات خصیصه‌های متعددی را برای ادبیات حماسی برشمرده‌اند. از مهمترین این خصیصه‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جنگاوری، جانوران، گیاهان، خرق عادت، قهرمان (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۷۸).

ذبیح‌اله صفا نیز برای آار حماسی ویژگی‌هایی را برشمرده است: تکرار، توصیف، پهلوانان، شاهان، خرق عادت، انتقام، زمان و مکان، زبان و بیان (صفا، ۱۳۸۷: ۳۳۷).

### ۵ - بررسی عناصر حماسی در شعر محمدرضا آقاسی

#### ۵ - ۱ عناصر درونی

بخشی از حماسه بودن یک اثر معطوف به وجه درونی آن است. عناصر درونی متمرکز بر محتوای اثر حماسی است.

## ۵-۱-۱ جنگ

یکی از مهم‌ترین عناصر حماسی در یک متن، نگاهی است که به مقوله جنگ دارد. در متون حماسی از طبیعی و مصنوع، جنگ و نبرد عنصری غیرقابل انکار بوده است. آقاسی در شعر خود متمرکز بر جنگ و نبردهای میان حق و باطل است. عمده پرداخت وی از جنگ به حادثه کربلا و جنگ تحمیلی ایران اشاره می‌کند.

سال‌ها در تب جنگ بودی      سینه را در تب و تاب دیدیم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۳)

تیغ پولادی مرتضاییم      در دل کوره‌ها آب دیدیم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۳)

برادرزاده‌ها جنگ جمل در پیش رو داریم      سخن کوتاه میدان عمل در پیش رو داریم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۷)

کدامین جنگ تاب ذبح مردان مرا دارد؟      کدامین سنگ تاب رهنوردان مرا دارد؟

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۷)

فصل جنگ آمد تماشاگر شدند      صلح آمد لاله پرپر شدند

دل به کشکول و تبرزین بستند      بهر قتل‌ت تیغ زرین بست‌هاند

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۲)

شیعیگی آیا شکم پروردن است      یا به روز جنگ عذر آوردن است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۴)

چارده گنجینه علم لدن      چارده شمشیر پولاد آبکن

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۱)

در کجا بودید وقتی جنگ بود؟      عرصه بر شیران عالم تنگ بود

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۶)

ای جنگ چه شد که قهر کردی؟      در کام امام زهر کردی؟

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

## ۵ - ۱ - ۲ تحریک و ترغیب مخاطب

یکی از عناصر حماسی در متون مرتبط با این حوزه بیان مؤلف - اعم از شاعر یا نویسنده - است. بیان محکم و مقتدر نوعی دعوت به بیداری و آگاهی مخاطب را در پی دارد. آقاسی در شعر خویش علاوه بر دعوت به بیداری آرمان‌خواهی مخاطب، با اشاره به ظلمی که به بزرگان رفته است، مخاطب را به مبارزه فرامی‌خواند.

آنان که به غرب میشتابند      خائن به امام و انقلابند

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

ای تیر و کمان به کف گرفته      مولای مرا هدف گرفته

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

ای خون به دل امام کرده      در نفی ولی قیام کرده

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

بتشکن دستی برافشان اندکی تعجیل کن      دک‌های نامرادان را ز دم تعطیل کن

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۲۳)

حلقه اشکی که در چشم من است      شعله‌های سرکش خشم من است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

آب دادم تیغ را با اشک خون      تا بتازم باز در دشت جنون

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

دشمنی کو تا جلو دارم شود      مانع این رقص خونبارم شود

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

تیغ غیرت برفشانم عاقبت      خاک را در خون کشانم عاقبت

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

ای شمایان کوفی بیعتشکن      ای عروسک‌های دست اهرمن

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۶)

ای بر آخور خفتگان خواب‌نوش      نیش افکار شما زهرآب نوش

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۶)

## ۵ - ۱ - ۳ آزادگی

آزادگی عنصری مهم در شعر حماسی است که گاه هدف نبرد را نیز قرار گرفته است. آقاسی در شعر خود مستقیم و غیرمستقیم به آزادی و آزادگی پرداخته است.

اگر آزاده هستی اهل دل باش      گر استقلال خواهی مستقل باش

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

هفتاد و دو آدرخش بیپروا      هفتاد و دو رعد رعد طوفانجوش

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۹۶)

از دیرباز تا کنون اشاره به دین و عقاید و باورها در متون حماسی بالاخص حماسه‌های مصنوع وجود داشته است. محمدرضا آقاسی بخش قابل توجهی از شعر خود را به مباحث دینی به ویژه بخش‌هایی حماسی از دین که به نبرد حق و باطل اشاره می‌کند، اختصاص داده است.

یک مسلمان آن زمان کامل شود که علوم وحی را عامل شود

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۷)

نصّ قرآن مبین جز وحی نیست آیه‌ای خالی ز امر و نهی نیست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۷)

گر مسلمانی سر تکریم کو؟ سجده‌ای همسنگ ابراهیم کو؟

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۷)

چیست در تورات و انجیل و زبور؟ آیه‌های نور و تسلیم و حضور؟

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۷)

جمله‌ادیان ز یک دین بیش نیست جز الوهیت رهی در پیش نیست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۷)

در شب اول وضو از خون کنم خبث را از جان خود بیرون کنم

شام اول در نماز آور مرا شعله کن در سوز و ساز آور مرا

شام دوم روزه دارم ساز باز تا بسوزم در تب راز و نیاز

شام سوم خمس خم در من بریز تا شوم سرمست اهرمین‌ستیز

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۸)

نمازی که وقت رکوع و سجود ببینم رخس را به کشف و شهود

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۸)

قرآن مبین کتاب دین است آویزه گوش مومنین است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۵)

مسلمان بی‌نمازی ناسپاسی است نماز اول قدم در خودشناسی است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۲۵)

## ۵ - ۱ - ۵ مرگ

«مرگ» حقیقتی انکارناپذیر است. در متون حماسی توجه به مرگ با توجه به نگرش و جهان‌بینی خالقان آثار متفاوت است. محمدرضا آقاسی تصویری آرمانی از مرگ ارائه داده است. وی در شعر خود نشان می‌دهد که روزکردی آگاهانه و پذیرا نسبت به مرگ دارد و آن را پایان انسان نمی‌داند.

کیست تا از مرگ من پروا کن؟      یا به روی غربتم در واکند؟

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۷)

بنگرید این تخم بسم الله را      وین سمندر سیر مرگ‌آگاه را

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

مرگ بر مولایتان دشوار نیست      شوق باشد جاده ناهموار نیست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

مرگ آغاز جهانی دیگر است      عاشقان را مرگ جانی دیگر است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

برده برمی‌دارم از این ماجرا      مرگ یعنی یک سفر تا ماورا

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

مادرم بر نعش من شیون نکن      ناله بر هر کوی و بر برزن نکن

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۴)

مرگ بازیچه سرپنجه سیمرغ است      سجده در لجه خون شیوه کرکس نیست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۲۳۰)

## ۵ - ۱ - ۶ شهادت

شهادت مرگی آرمانی است. شهید برای باور و اعتقاد بر حق خویش می‌جنگد و در این میان بارزش‌ترین دارایی وجودی خویش را که همانا زندگی است بر کف می‌نهد. در شعر محمدرضا آقاسی شهادت و شهید همواره ستایش شده است.

گفت: فحشا در کجا آید پدید؟      گفتمش در کوچه‌های بی‌شهید

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۷)

بی‌شهیدانند بی‌سوز و گداز      بر سر سجاده‌های بی‌نماز

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۷)

تا شهید کربلا مولای ماست      خلعت زخم و عطش شولای ماست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۷)

باب میدان شهادت با بود آسمان عشق پر پرواز بود

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۰)

بخوان نوحه و شیون و اشک و آه به یاد شهیدان آوردگاه  
شهیدان سر از خاک بیرون کنید نگاهی به اوضاع گردون کنید

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۹)

#### ۵ - ۱ - ۷ وفاداری

در بسیاری از متون حماسی علاوه بر قهرمانان، همراهان ایشان نیز حضور دارند. پرداختن وفاداری این همراهان بخشی از متن حماسی را شکل داده است. علاوه بر این عدالت را نیز نشان می‌دهد. مهم‌ترین مصداق وفاداری در شعر آقاسی، همراهان امام حسین (ع) هستند.

هفتاد و دو شاخه انا الحق گو سرمست ولا ز جام یک ریشه

در جهد و جنون جسارت مطلق بگسسته حصار طور اندیشه

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۹۳)

در سیر و سلوک فی سبیل الله تعظیم به هیبت هبل، هرگز

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۹۵)

هفتاد و دو سرسپرده مولا تسلیم اشاره‌های یک انگشت

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۹۶)

#### ۵ - ۱ - ۸ میهن‌پرستی

از عناصر مهم و لاینفک متون حماسی میهن‌پرستی است. توجه به وطن و بیان دغدغه‌های خویش درباره آن و تلاش برای حفظ آن از وجوه پررنگ متون حماسی است. اگرچه در شعر آقاسی وطن نقش دارد اما این نقش چنان که باید شاید پررنگ نیست.

من کیستم آن که در وطن مانده در بند حجاب خویشتن مانده

چشمی به در امید خشکیده در حسرت بوی پیرهن مانده

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

## ۵ - ۱ - ۹ ایمان به خدا

به طور کلی ایمان به یک منبه لایتنهای و لایزال در متون حماسی حضور دارد. قهرمانان اگرچه در تلاش و تکاپو برای رسیدن به قدرت و پیروزی اند اما به منبع اصلی قدرت ایمان دارد. آقاسی در جای جای اشعار خویش از ایمان خود و قهرمانانش سخن می‌گوید.

بنده آنم که لطفش دائم است      با من و بی من به ذاتش قائم است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۹)

کیست او؟ آن کس که جانم داده او      آسمان‌ها را نشانم داده او

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۶)

ای خدا ای مبداء و معیاد ما      دست بگشا بهر استمداد ما

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۷)

ای خدا ای مبداء و معبود ما      باز بنگر چشم خون‌آلود ما

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۷)

بود تنها حضرت پروردگار      خواست تا خود را ببیند آشکار

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۰)

مرا جز خدا از کسی باک نیست      که جز او به جز خار و خاشاک نیست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۷)

مؤذن چو ذکر خدا می‌کند      مرا از دل خود جدا می‌کند

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۸)

## ۵ - ۱ - ۱۰ مفاخره

تفاخر و اشاره به برتری‌های خود برای ترساندن بخشی جدایی‌ناپذیر از متون حماسی است. در شعر آقاسی مفاخره با نشان دادن توانایی‌های سپاه حق در مقابل سپاه باطل خود را نشان داده است.

خشم ما شعله از طور دارد      در هیاهوی شب آذرخشم

نعره اژدهای کلیمیم      سامری را جز آتش نبخشیم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۳)

## ۵ - ۱ - ۱۱ شعارهای انقلابی و مذهبی

شعر بعد از انقلاب تا مدت‌های طولانی عرصهٔ شعار و تهییج خوانندگان بوده است. شعر حماسی آقاسی با شعارهای انقلاب مجکم خوانندگان را به مبارزه و ایمان فراخوانده است.

شیعیگی تنها نماز و روزه نیست      آب تنها در میان کوزه نیست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۳)

دست بردار از تکبر از خطا      شیعه یعنی جود و انفاق و عطا

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۳)

می‌دهد بانگ مؤذن این ندا:      ترک خود کن تا کنی درک خدا

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۶)

#### ۵- ۱- ۱۲ عرفان و حماسه

اگرچه در نگاه اول شاید ارتباط عرفان و حماسه دور و ناممکن به نظر برسد اما مبحث شناخت و تقلا برای رسیدن به آن یکی از خصیصه‌های مهم عرفان است. در شعر آقاسی علی‌رغم حضور پررنگ دین، عرفان نقش چندان‌ی ندارد.

شیعه یعنی حکمت و عرفان سرخ      در دل دریای خون توفان سرخ

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۳)

دلم در بند معنا نیست در صورت گرفتارم      که چون منصور اناالحق‌گو خریدار سر

دارم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۹۷)

#### ۵- ۱- ۱۳ ادبیات عاشورایی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شعر آقاسی پرداخت به واقعهٔ کربلا است. وی در شعر خویش با نگاهی حماسی به خرده روایت‌های این واقعه آن را تبدیل به واقعه‌ای حماسی و نمادین کرده است.

وارث پرچم کربلانیم      جز کفن هیچ بر تن نداریم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۲)

آه نی دانی چرا در نینوا گل می‌کند؟      بوریا بر نعش هفتاد و دو تن پیچیده‌اند

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۵)

پرچم زلفت رها در باد شد      وز شمیمش کربلا ایجاد شد

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۵۱)

خط سوم، خط سرخ اولیاست کربلا بارزترین منظور ماست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۵۱)

روز عاشورا کجا بودیم ما؟ در کدامین خانه فرسودیم ما؟

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۵۲)

کربلا می‌مرد اگر زینب نبود شیعه می‌پژمرد اگر زینب نبود

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۵۶)

هفتاد و دو خیمه سوخت از غیرت تا نعره ز نیزه آتشین گردد

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۹۳)

#### ۵-۱-۱۴ شخصیت‌های دینی - مذهبی

با توجه به حضور غالب دین در شعر آقاسی، حضور شخصیت‌های دینی و مذهبی نیز ناگزیر به نظر می‌رسد. زیرا این شخصیت‌ها مصادیق عینی دین و باورهای دینی به شمار می‌روند. آقاسی با اشاره با پیامبران و ائمه وجه دینی حماسه خویش را قوت بخشیده است.

تیغ پولادی مرتضایم در دل کوره‌ها آب دیدیم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۳)

از لب زخم ما می‌توانی بشنوی نعره یاعلی را

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۳)

زبان چو شعله نداری اگر، دهان ببرند کلام سرد نزیب زبانی موسی را

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۹)

یا امیرالمومنین روحی فداک آسمان را دفن کردی زیر خاک

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۵۶)

چون علی شد بی‌کس و بی‌همنفس گفت: یا زینب به فریادم برس

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۵۶)

یاعلی جان مقتدای من تویی فاش می‌گویم خدای من تویی

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۰)

جلوهای کن تا که موسایی کنم یا به رقص آیم مسیحایی کنم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۱)

## ۵- ۱- ۱۵ تلمیح

در بسیاری از متون حماسی به وقایع و ماجراهایی مرتبط اشاره شده است. این اشارات علاوه بر آشنایی با ذهن مخاطب، همذات‌پنداری و همراهی بیشتر خوانندگان را به همراه دارد. پررنگ‌ترین اشارات و تلمیحات در شعر آقاسی مربوط به واقعه عاشورا است.

هلا ای سامری زادن چه سحری در فسون کردید؟  
که از خون گلویم نیل را دریای خون  
کردید؟

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۷)

به رسوایی کشاند خشم من نسل یهود را  
خروشم پاک سازد از توهم طور  
سینا را

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۷)

پرچم زلفت را در باد شد  
وز شمیمش کربلا ایجاد شد  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۵۱)

## ۵- ۱- ۱۶ ستایش

ستایش قهرمانان عنصری درونی در حماسه است. آقاسی با ستایش قهرمانان و الگوهای خویش با لحنی حماسی و محکم که نشان از باور او دارد، به غنای حماسی شعرش افزوده است.

ای خمینی سیره روح‌الله جمال  
خضر هارون جلوه موسی خصال  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۰)

هر زمان سوی جماران می‌کنم  
جان خود را نورباران می‌کنم  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۰)

## ۵- ۱- ۱۷ نکوهش

بیان محکم و مقتدر حماسی نکوهش را برمی‌تابد. خالقان این گونه آثار زبان به نکوهش رهروان باطل می‌کشایند. آقاسی در شعر خویش برنده‌ترین نکوهش‌ها را نثار منافقان و ظاهرسازان کرده است.

الا ای عارفان بی‌معارف  
جهالت پیشگان شبه عارف  
اگر میراث‌دار بایزیدید  
چرا از طاعت و تقوا برید؟

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

اگر فرهنگتان فرهنگ دین است  
چرا آهنگتان کفرآفرین است  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

سفره‌های این جماعت باز شیطان رنگ شد  
دستشان چون چشم دنیا از حسادت  
تنگ شد

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۲۳)

#### ۵- ۱- ۱۸ رجزخوانی

«رجزخوانی» یکی از مهم‌ترین عناصر حماسی است. قهرمانان و راوی حماسه با اعتقاد و ایمان به باور و توانایی‌هایی خویش از خود می‌گویند به برتری‌هایش اشاره می‌کند. در شعر آقاسی عمده رجزخوانی‌ها حول مباحث دینی و اعتقادی می‌گردد.

کیستم؟ اندر کف مولای خود تیغی دو دم  
آشنایم آشنا با طعم طعن بوالحکم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۲)

شیعیان را تا قیمات روزگاری سرخ باد  
در رجزخوانی زبانشان ذوالفقاری سرخ

باد

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۴)

گرچه از خاکیم و مشتی خاک زیرانداز ماست  
آسمان کوچکترین بازیچه پرواز

ماست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۴)

منم زاده خون و خشم و خروش  
پسرخوانده موج طوفان فروش

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۹۰)

#### ۵- ۲ مضامین بیرونی حماسه

مضامین بیرونی حماسه به مضامینی اختصاص یافته است که درونی حماسه نیستند و هر مؤلف با سلیقه خویش آنها را در اثر خویش می‌گنجاند و رنگ و بویی حماسی به آن می‌زند. در شعر آقاسی بخش مکان و زمان متأثر از وقایع دینی و انقلابی است.

#### ۵- ۲- ۱ زمان و مکان

آب می‌جویم ولیکن در سراب  
کوفه‌بازار است این شام خراب

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۲)

از جنوب و غرب تا شرق و شمال  
گشته‌ام در بین اشباه الرجال

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۲)

بشکست به مکه و مدینه

پیشانی تو ز سنگ کینه

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۴)

آن پیر قلندر جمارانی

می‌گفت ز روزهای طوفانی

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۱۴)

فدک شد پایمال نانجیبان

علی لرزید و در تاب و تب افتاد

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۳۹)

ببوسم خاک پاک جمکران را

تجلی‌خانه پیغمبران را

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

مرا از قوم به مشهد راه دور است

اگرچه خواهرت سنگ صبور است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

## ۵- ۲- ۲ قوم و قبیله

گاه خالقان متون حماسی به ریشه و نژاد قهرمانان و بدکرداران آثار خویش اشاره می‌کنند. آقاسی اشاراتی از این دست به بنی عباس و آل مصطفی داشته است.

مکه زیر سایه خناس بود

شیعه در بنی عباس بود

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۹)

نور یعنی ذکر آل مصطفی

تا شود دل‌ها پر از مهر و صفا

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۹)

## ۵- ۲- ۳ ابزار رزم

در متون حماسی با توجه به نبردهای متعددی که واقع می‌شود، ابزاری نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. از آنجا که عمده جنگ و نبردها در شعر آقاسی متمرکز بر واقعه عاشورا است، ابزار نبرد نیز به قدمت همین واقعه است و از ابزاری همچون کمان، تیر، تیغ، شمشیر و .... استفاده شده است.

ما چله به چله کمان بستیم

تیریم که خود به خود ز خود جستیم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۰)

تیغتان را سپر سینه ماست

ما هراسی ز دشمن نداریم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۲)

برادرخوانده‌ها تبعیدی تابوت بر دوشم

هنوز از ضربت شلاقتان آهنگ می‌نوشم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۶)

رها می‌گردد آخر زلف ما بر نیزه‌ها در باد فرومی‌پاشد از هم، هفت بند غرب غربت‌زاد

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۸)

چیست آن تیغ سپید آبدار بی‌گمان «لاسیف الا ذوالفقار»

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۰)

حافظ این ملک تیغ حیدر است تیغ او از تیغ‌تان برتر است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۵)

به سم ضربه‌های شتاب سمند چکاچاک شمشیرها شد بلند

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۸)

چنان گرم شد عرصه کارزار که آتش به پا گشت از هر کنار

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۸)

ای تیر و کمان به کف گرفته مولای مرا هدف گرفته

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۰۶)

#### ۵ - ۲ - ۴ طبیعت

اشاره به طبیعت و عناصر طبیعت در شعرهایی با رسالت‌های مختلف حضور دارد. در شعر آقاسی عناصر طبیعی در متن حماسی حضوری حماسی داشته و نقشی حماسی پذیرفته‌اند.

در سرخ‌ترین دقایق افتادیم داغیم که بر شقایق افتادیم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۱)

هزار لاله وحشی چکید از قلمش که لاله‌زار کوه و دشت و صحرا را

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۹)

خشکسالی می‌تپد از شش جهت آسمان دارد سحابی سوخته

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۵۷)

جوجه ققنوس جز ققنوس نیست رود را راهی جز اقیانوس نیست

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۵۹)

موج‌ها از بس تلاطم کرده‌اند راه اقیانوس را گم کرده‌اند

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۶۲)

#### ۵ - ۲ - ۵ جانوران

جانوران در متون حماسی با شکل و شمایل‌های گوناگون و اهداف متعددی حضور دارند. جانوران

در شعر آقاسی در خدمت هدف و مضامین اصلی شاعر به کار رفته‌اند.

ما عقابان اوج آشیانیم  
قصد بر خاک ماندن نداریم  
تا عروج شگرفی دوباره  
روز و شب، روز را می‌شماریم  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۲)

آسمان آبی شد از اظهار رحمت، از چه رو  
طوطیان پرواز خود را در سخن پیچیده‌اند  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۴)

باز پرس از ساقی دریادلان، دریا کجاست؟  
ماهیان مرده، دل را در لجن پیچیده‌اند  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۵)

ارغوان جولانگه بال کلاغان است و بس  
کرکسان بر شاخه‌های نارون پیچیده‌اند  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۵)

مرغ دریایی به دریا می‌رود  
موج برخیزد به بالا می‌رود  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۵)

باده گفتم بادها جاری شدند  
خام‌یشان اسب عساری شدند  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۹)

دام برچینید ما مرغ دلیم  
ماهی گرداب و دور از ساحلیم  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۶)

## ۵ - ۲ - ۶ اشخاص

بخش زیادی از شعر محمدرضا آقاسی اشاره به اشخاص و عموماً ابراهان‌ها و قهرمانان است. این تأکید و توجه به انسان‌ها یکی از مهم‌ترین عناصر حماسی است. «انسان‌های آرمانی جلوه‌ای از قدرت فوق طبیعی به شمار می‌روند که در سیمایی قهرمانان حماسه نمود یافته است.

و با کردار، گفتار و رفتار خویشش آمال محقق‌نشده یک قوم را تحقق بخشیده‌اند.» (تربتی‌نژاد و حلبی، ۱۳۹۷: ۱۵۷).

بازگو شعب ابی‌طالب کجاست؟  
آن بیابان عطش غالب کجاست؟  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۲)

تا ز جور پیروان بوالحکم  
سنگ طاقت‌زا ببندم بر شکم  
(آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۲)

غنچه مردانگی نشکفته می‌ماند که باز  
کسوت تهمنه را بر تهمن پیچیده‌اند

- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۴)
- آب حیوان چیست؟ فرمان ولی است چشمه‌اش در برق چشمان علی است
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۴)
- گر طلا خواهی شدن اکسیر جو سوی لیلا می‌روی زنجیر جو
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۴)
- همچو یحیی گر نهی سر در طبق می‌شود عریان به چشمت سرّ حق
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۵)
- حضرت صادق اگر ساقی نبود یک نشان از شیعیگی باقی نبود
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۶)
- گر مسلمانی سر تکریم کو؟ سجده‌ای همسنگ ابراهیم کو؟
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۷)
- یوسف از کنعان هستی بگذرد بعد از آن از مصر مستی بگذرد
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۸)
- من چو مجنونم که در لیلائی خود نیستم در هستی مولای خود
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۸)
- جان مجنون قصد لیلائی مکن جان یوسف را زلیخایی مکن
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۴۹)
- نام آن آئینه را احمد نهاد گام او را بر خطی ممتد نهاد
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۰)
- هرکسی نوشد سلیمانی کند و آنچه می‌دانیم و می‌دانی کند
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۰)
- دست ساقی چون سر خم را گشود جز محمد هیچ‌کس آنجا نبود
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۱)
- چارده الیاس در باد آمده چارده خضر به امداد آمده
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۱)
- چارده نوح به دریا متصل چارده روح جدا از آب و گل
- (آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۱)

چارده منصور منصور آمده      کلهم نور علی نور آمده

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۲)

من که رعنا تر ز اکبر نیستم      میوه قلب پیمبر نیستم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۴)

کیستند این عمرو عاصان شقی      کفر کیشانی به ظاهر متقی

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۴)

کاش می شد همراه باد صبا      پر کشم تا آستان مجتبی

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۹)

فصل فصل از خمینی گفتن است      بر سر گیسوی شب آشفتن است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۷۹)

ای تهمتن زاده اشفته جان مرتضی      مست آتش نوشی از رطل گران مرتضی

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۲)

قلم نقش از داغ زهرا بزَن      بنفشه به دامن صحرا بزَن

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۶)

به جز دست عباس آیا چه بود؟      که از بالتان بند رخوت گشود

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۸۹)

نمرود به مرگ خویش میرقصید      آتشکده خلیل بستان شد

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۹۲)

شیعیان را شیوه های گونه گون رقصیدن است      یا ابوذروار در دشت جنون رقصیدن است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۲۲)

فدای عصمت معصومه کردم      که ایوانش سراپا غرق نور است

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۱۴۱)

ما واران میثم خرمافروشیم      بر چوب دار نخل در جوش و خروشیم

(آقاسی، ۱۳۸۷: ۲۰۲)

### نتیجه گیری

شعر محمدرضا آقاسی آینه تمام نمای جامعه ای است که وی در آن زیست کرده است. شیعه، اهل بیت، انقلاب، جنگ، شهادت از مهمترین مضامین شعر اوست. در این مقاله به مطالعه عناصر حماسی در شعر او پرداختیم. بدین منظور مهمترین عنصر بیرونی و درونی حماسی در شعر وی

استخراج شد. از آنجا که بسامد ابیات بالا بود به ابیاتی پرداختیم که مصداق کامل عناصر بیرونی درونی حماسی باشند.

مهمترین عناصر درونی حماسی در شعر وی عبارتند از: جنگ، تحریک و ترغیب مخاطب، آزادگی، دین‌مداری، مرگ، شهادت، وفاداری، میهن‌پرستی، ایمان به خدا، مفاخره، شعارهای انقلابی و مذهبی، عرفان و حماسه، ادبیات عاشورایی، شخصیت‌های دینی - مذهبی، تلمیح، سنایش، نکوهش، رجزخوانی. مهم‌ترین عناصر بیرونی حماسی در شعر وی عبارتند از: زمان و مکان، قوم و قبیله، ابزار رزم، طبیعت، جانوران، اشخاص.

چنان‌که پیداست عناصر درونی حماسه در شعر آقاسی پررنگ‌تر از عناصر بیرونی حماسه است و این نشان‌دهنده نهادینه شدن این مضامین در اندیشه اوست.

بالاترین بسامد عنصر درونی در شعر آقاسی به دین‌داری، ترغیب مخاطب، جنگ و شخصیت‌های مذهبی اختصاص یافته است.

بالاترین بسامد عنصر بیرونی در شعر آقاسی به اشخاص، ابزار رزم، جانوران و طبیعت اختصاص یافته است.

### منابع و مأخذ

۱. آقاسی، محمدرضا (۱۳۸۷). دیوان اشعار (بر مدار عشق). به کوشش غلامرضا آقاسی. تهران: گردآورنده.
۲. تربتی‌نژاد، بهجت و حلبی، علی اصغر

(۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی عناصر حماسی در برزنامه و بیوولف. فصلنامه ادبیات تطبیقی. دوره ۶. شماره ۴.

۳. رجبزاده، شهرام (۱۳۸۱). شهامت و شتاب (مروری بر کارنامه ناصر کشاورز در عرصه شعر نوجوان). پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان. شماره ۳۱.

۴. رزمجو، حسین (۱۳۸۸). قلمرو ادبیات حماسی ایران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

۵. شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۷). گزیده غزلیات شمس. چاپ هفتم. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

۶. شمیسا، سیروس (۱۳۷۴). انواع ادبی. چاپ دهم. تهران: فردوس.

۷. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۷). حماسه‌سرایی در ایران. تهران: فردوس.

۸. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۲). رویا، حماسه، اسطوره. تهران: مرکز.

۹. موسوی، زهره (۱۳۸۷). سیر تحول قطعه در شعر فارسی، تهران: انتشارات صنم.

۱۰. ولک، رنه و وارن، آستن (۱۳۷۳). نظریه‌ی ادبیات. ترجمه‌ی ضیا موحد و پرویز مهاجر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.